

# ساختار گرای و پسا ساختار گرای

## قدم اول

نویسنده: دانالد دی پالمر

طراح: تری دانکلبگر

مترجم: مهشید کریمایی

سوژه سخن نمی گوید  
بلکه به سخن می آید.



# ساختارگرایی چیست؟ چگونه ممکن می شود؟



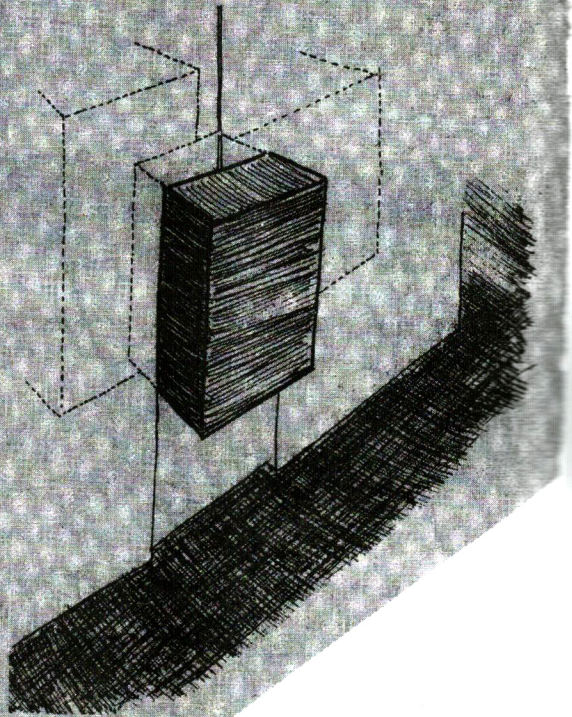
و زمانی که ساختارهای ساختارگرایی کشف شوند،

چگونه

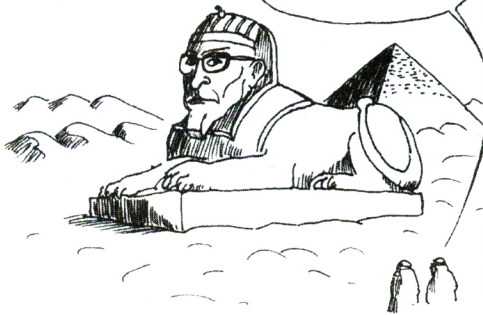
پسا ساختارگرایی  
ممکن می شود؟



ساختارگراها و «پساساختارگراها» آشکارا این ادعای نامعمول را مطرح کردند که هر «شیء» هم حاضر است و هم غایب، یعنی شیء هرگز به طور کامل «حاضر» نیست - تا آنجا حضور دارد که بر ما ظاهر می‌شود، اما تا آنجا که وجودش به واسطهٔ رابطه‌اش با کل نظامی که جزئی از آن است تعیین می‌شود، بر ما غایب است. نظامی که بر ما آشکار نیست. به این معنا، هر «شیء» حتی در غیاب نصفه نیمه خود، کل نظام را بازتاب می‌دهد و کل نظام در هریک از اجزایش حاضر است.



عجیبه، درست شبیه به انسان‌شناس فرانسویه



اِبوالهول تغییرناپذیر، نسبت به سنباده زمان بی‌اعتناست

از آنجا که ساختارگرایی مدعی است که ساختارهای ثابتِ پسِ اشیاء را کشف می‌کند، تحلیل‌های آن بیشتر تحلیل‌های همزمانی (غیرتاریخی) هستند تا درزمانی (تاریخی). افراطی‌ترین ساختارگراها، اهمیت تاریخ را انکار می‌کنند، یا نسبت به فرهنگ‌های ابتدایی نوستالژیک هستند، فرهنگ‌هایی که به وجود تغییر بی‌اعتنا و خود غیرتاریخی هستند.